

## توضیحی بر خشونت و خشونت خانوادگی

قسمت اول

از سال ۱۹۹۹ بدین سو ملل متحد ۲۵ نومبر را بحیث روز جهانی مبارزه علیه خشونت در برابر زنان برسمیت شناخته و اعلان نموده است که همه ساله این روز اکثراً از طرف سازمانهای زنان و سازمانهای تحول طلب اجتماعی و سیاسی به یادبود گرفته میشود. این روز بخاطر انتخاب گردیده است که در سطح جهانی توجه به رفع خشونت در برابر زنان، دختران و کودکان اعم در محیط و هم در خانواده گردد و دول و حکومتات مسئله خشونت را در چوکات سیستم حقوقی و قضائی خود از دیدگاه حقوق مدنی، حقوق فامیل، حقوق بشری و مبارزه علیه خشونت را هم از دیدگاه حقوق جزائی مورد بررسی جدی قرار دهند. خشونت در برابر زنان و دختران یک اصل جدی و قابل تشویش در سلب حقوق و آزادی های اساسی بشری کتله زنان و دختران در جوامع ملی و بین المللی است. بدون در نظر داشت سطح رشد و بالا بودن سطح زندگی در کشورهای مختلف سالانه از ۲۵ الی ۷۵ فیصد زنان و دختران مورد خشونت های جسمانی، روانی و جنسی قرار میگیرند.

اهمیت بررسی خشونت علیه زنان برای من خیلی ها قابل ارزش و تعمیق است زیرا خشونت دامنه و ابعاد وسیعتر از خشونت علیه زنان و دختران است زیرا خانواده اولین و مهمترین لانه ایجاد و رشد خشونت و اشکال سوء استفاده میباشد که در آن بخش اعظم شخصیت، کردار و رفتار فرد شکل میگیرد و از آنجا محیط و ماحول را میتواند بصورت مثبت و یا منفی مورد تأثیر قرار دهد. طبعاً اثرات منفی آن دامنه قربانی های خشونت را وسعت میدهد. به همین ترتیب مفهوم اصلی خشونت در این است که قربانیان خشونت زنان، دختران و کودکان و یا اعضای دیگر در یک خانواده خانواده میباشند.

من لازم میدانم از همسر عزیزم انیسه دهباز وطنیار رئیس انجمن زنان "روشن" در هالند که مرا در تحریر این مقاله همکاری نموده است، سپاسگزاری نمایم. همکاری ایشان برایم خیلی ها رهنمودی بوده زیرا ایشان مرا همکاری نمودند تا موضوع را بحیث یک مسئله حقوق زن نباید تنها از دیدگاه مردانه به ارزیابی بگیرم.

خشونت و قربانیان خشونت تنها محدود به خانواده های افغانان در داخل کشور نمیشود بلکه فیصدی آن تقریباً در عین سطح و فیصدی است که در میان خانواده های افغان در خارج کشور به وقاحت می پیوندد و قربانی میآفریند. بر علاوه اینکه در شرایط بفرنج و حاکمیت زور و سلاح در کشور ما سالانه صدها و هزاران زن، دختران جوان، نوجوان و کودکان افغان ما مورد تجاوز و انواع خشونت قرار میگیرند بلکه صدها هزار از آنان در داخل خانواده ها مورد انواع خشونت قرار میگیرند که این قربانی ها اکثراً پوشیده و مکتوم باقی میمانند هیچ گاهی از طرف نهاد ها و مراجع اجتماعی، عدلی و قضائی نمیتواند قابل کشف باشند در حالیکه خشونت بصورت مداوم صورت میگیرد. من در این مقاله که در دو قسمت تهیه شده است، میخواهم روی چند مسئله زیر توضیحات مختصر را ارائه نمایم:

اول توضیح خشونت با انواع و خصوصیات آن

دوم اثرات منفی خشونت در رشد و تکامل شخصیت

سوم بررسی خشونت از دیدگاه کلتور و تعامل

چهارم خشونت و بررسی حقوق آن

نتیجه گیری و راه های جلوگیری از خشونت در خانواده.

مفهوم خشونت، انواع و خصوصیات آن

خشونت در خانواده در اصل عبارت از استفاده از زور و توصل به لت و کوب، تهدید، وادار ساختن شخص به یک عمل و یا منع کردن از یک خواست و یا عمل فرد، اهانت و کوچک ساختن عمدی و بلاخره سوء استفاده از یکی از اعضا در حلقه خانواده میباشد که قربانی آن بصورت دوامدار به خشونت مواجه و از آن متضرر میگردد. یعنی خشونت نه یکباره بلکه به دفعات و مداوم صورت گیرد. میتواند یک همسر، یک دختر جوان، یک طفل یا عضو دیگر خانواده، یکی از اعضای فامیل یا همسر قبلی مورد خشونت خانواده گی قرار گیرد.

در خشونت خانواده گی میتواند متضرر یا به شکل فزینی یا روانی مورد خشونت و یا تهدید به آن قرار گیرد بر علاوه سوء استفاده جنسی، آواره ساختن از محبت، توجه و غمخوری، اهانت و کوچک ساختن و قرار دادن عمدی

در مذیقه مالی شامل خشونت خانوادگی می‌گردد. محروم ساختن طفل در خانواده از تربیت و توجه حکم سوء رفتار در مقابل طفل محسوب می‌گردد.

"ممکن هر شخص به شکلی از اشکال یکبارگی مورد خشونت خانوادگی قرار گرفته باشد اگر یک زن باشد و یا مرد، طفل و یا فرد سالمند. خشونت خانوادگی در اکثر خانواده ها به وقوع می‌پیوندد. حالات جدی و دوامدار خشونت مداخله قانونی را بخاطر حمایت و مسئولیت قربانی خشونت ضروری می‌سازد که در اکثر کشور ها سازمانها و نهاد های اجتماعی و حقوقی (عدلی و قضائی) صلاحیت و مجوز قانونی را در اختیار دارند تا در مورد مداخله نموده و موضوع را از دیدگاه حقوق جزائی مورد تعقیب قرار دهند. خشونت مداوم یک عضو خانواده خطر سلب مسئولیت جانی، رشد و انکشاف جسمی و روانی فرد مورد خشونت را به وجود می‌آورد به همین لحاظ ضرورت اقدام لازم را هم جداً متبازر و در بعض حالات ضروری می‌سازد. بدین معنی که خانه دیگر محل نیست که بتوان ادامه زندگی و مسئولیت شخص متضرر را تضمین نمود.

در اکثر موارد مشکل است تا به سادگی تثبیت نمود که شخص مورد سوء استفاده و خشونت قرار گرفته است. اکثریت قربانیان خشونت حاضر نیستند مشکل شان را با مراجع مربوط و یا داکتر فامیلی و یا افراد قابل اعتماد شان بیان نمایند. و حتی آنان از مورد خشونت قرا گرفتن شان به سادگی انکار میکنند. آنان یا اینکه شرم دارند مسائل خانوادگی شان را با دیگران مطرح نمایند و یا اینکه از کسب شدت خشونت ترس دارند. همچنان تعداد آنان امید دارند که این معضله خانوادگی بالاخره پایان خواهد یافت. زنان و اطفال بالا ترین فیصدی را در تعداد قربانیان انواع خشونت خانودگی تشکیل میدهند."

افراد که بصورت مداوم مورد خشونت جسمانی و یا روانی قرار می‌گیرند با گذشت زمان عمیقاً گوشه گیرتر میشوند و علایم دبیریشن (افسردگی) در روان شان ظاهر می‌گردد.

بیشترین خشونت ها در روابط زنا شوهری میتواند به وجود آید. اگر در این خشونت در روابط زناشوهری کمک یابی صورت نگیرد همیشه وخیم تر می‌گردد و گراف شدت و خطرات ناشی از آن بالا تر می‌رود.

با آنکه کاستن از خشونت در روابط زنا شوهری مشکل میباشد ولی در اکثر موارد و با تمام این حالت طرف مورد خشونت به پارتتر خود وفادار بوده و دوستی خود را حفظ مینماید و بلاخره حالت رقت بار را تحمل مینماید. بر علاوه پارهمسر متضرر خود را وابسته به همسر مرتکب خشونت میداند و از دست دادن رابطه زنا شوهری برای متضرر یک ترس، ضایعه و یک فاجعه بزرگ میباشد. اکثراً در چنین حالات زنان بیشتر متضرر در جدائی میشوند و شکست بزرگ در زنده گی شان تلقی می‌گردد. از جانب دیگر اکثر زنان جرأت نمی کنند تا به مراجع کمک های اجتماعی و یا عدلی مراجعت نمایند زیرا آنان از عواقب احتمالی بعدی آن نیز دچار ترس و واهمه قلبی می‌گردند. قربانی شدن دیگر زنان هم در وفاداری شان به شوهر است که نمیخواهند شریک زندگی شان دچار عواقب عدلی و قضائی گردند. بدین لحاظ با قربانی دادن خویش مشکل را محرم، مکتوم و پوشیده نگه میدارند.

#### انواع خشونت خانودگی

##### خشونت روانی

##### خشونت جسمانی

##### خشونت جنسی

##### و خشونت اقتصادی - پولی

#### اول خشونت روانی

هر عمل که آزادی و زمینه رشد و انکشاف شخصیت و صحت روانی خودی فرد را محدود و متضرر سازد در واقع مفهوم خشونت روانی را ارائه میکند.

اعمال که بیانگر خشونت روانی اند ذیلاً بیان می‌گردند:

اهانت و تمسخر بر قد و اندام شخص، شیوه های که جزء حرکات جسمانی مربوط به یک شخص است.

بی ارزش دانستن شخصیت و فعالیت های شخصی اش.

انتقاد های بدون توجیه بر کارهای شخص، برخوردهای منفی گرایانه بر همه کارهای که شخص دیگر انجام میدهد و یا در مورد صحبت میکند، شخص دیگر را خورد می‌سازد و در هر موضوع گنجهار تلقی مینماید، بی ارزش می‌سازد و شخص را به دیوانه بودن و احمق بودن محکوم نماید.

شخص دیگر را تهدید به آواره ساختن و رها کردن نماید. مثلاً زن و یا شوهر در هر مسئله یکی دیگری را به طلاق تهدید میکند که منظور مرتکب و ادار ساختن طرف مقابل به یک عمل و یا مانع از یک عمل و خواست طرف دیگر است. والدین طفل خود را به کشیدن از خانه تهدید میکند و یا در هر مسئله اظهار پشیمانی میکند که چنین یک طفل دارد ( تو عامل مشکل هستی کاش خداوند تو را برای من نمیداد، اولاد های .... بهتر از تو هستند).

احساس شخص را نسبت به دوستان و فامیل اش و روابط با فامیل را به انتقاد گرفته و دائماً کنترل نماید، نسبت به این روابط شخص را تهدید نماید و جزاً بدهد و تمام توجه را صرفاً و منحصر به خود بداند.

شخص را در منزل حبس نماید (قید) و آمدن دوستان و اعضای فامیل شخص را منع نماید، از رفتن شخص به کار، درس و ورزش ممانعت نماید. عدم احساس و اجرای مسئولیت در برابر کودکان خانواده و تحمیل کار در خانه در سنین طفولیت و سوء رفتار با کودکان.

### خشونت فیزیکی (جسمانی)

هر عمل که در وجود با عث جرح و یا جراحات گردد و آثار آن در وجود متبازر گردد، در حکم خشونت جسمانی می‌آید و این‌ها قرار زیر اند:  
با دست شخصی را لت و کوب نمودن که از اثر آن جرح و یا کیبودی در وجود ظاهر گردد.  
زدن (شط و ضرب) شخص با وسایل دیگر از قبیل قمچین، کمر بند، چوب دست، تسمه و غیره.  
جرح ناشی از بریدن  
قتل  
چندک (چندی) کندن که کیبودی ناشی از آن در وجود ظاهر گردد.  
به دندان گزیدن (دندان کندن)  
شخص را به عقب تپله کردن و با دست فشار دادن  
شخص را از موهای سر کش کردن  
با مشت و لگد زدن  
تف انداختن و بالای شخص، ادار کردن بطرف یا بالای شخص  
سوزانیدن روی و اندام همراه با سوخته سگرت، آب سوزان، روغن داغ، اوتو داغ، تیزاب و مواد دیگر سوزان.  
از گلو خفه کردن (خفک)

### خشونت جنسی:

خشونت جنسی عبارت است از هر عمل در ساحه جنسی و غریزه بی است که شخص مورد اهانت، تجاوز و ارتکاب عمل با زور صورت گیرد. اعمال زیر مطابقت با تعریف خشونت جنسی مینماید:  
تمسخر و توهین نمودن به اندام شخص و مقایسه آن با اندام افراد دیگران که مرتکب خشونت خود با ایشان رابطه دارد. تحمیل اجباری یک شخص به عمل جنسی با خودش و یا با شخص سومی.  
با جبر و ادار کردن به دیدن فلم های غیر اخلاقی، گفتن عمدی تجارب عمل جنسی با دیگران به منظور توهین شخص.  
تحمیل اجباری و یا تهدید به بازی های جنسی.  
داشتن رابطه نامشروع خارج رابطه زناشوهری بدون اینکه خود را مقید به اصول زناشوهری دانست. یا بدون در نظر گرفتن و ارزش دادن به احساسات طرف دیگر در رابطه زنا شوهری و اینکه در محیط چگونه انعکاسات را به وجود می‌آورد.

### خشونت اقتصادی (مالی)

در خشونت مالی هدف شخص مرتکب فقط وابسته نگهداشتن شخص طرف مقابل از لحاظ اقتصادی به خود میباشد. در عرصه های ذیل:  
استتکاف از دادن پول بخاطر مصارف خانه یا خانواده تا شخص متضرر مجبور گردد به دیگران مراجعه نماید.  
تسلط یکجانبه به درآمد خانواده و بخشی از درآمد را تنها به خود اختصاص دادن.  
اخذ پول یا دارائی شخص با زور و جبر.  
استفاده و مصرف پول و دارائی مشترک بدون اخذ اجازه و یا مفاهمه قبلی با طرف دیگر.

پایان قسمت اول